



ایران زمین

هفت پیکر نظامی و مهر آیینی

دکتر کیوان نجم آبادی

پیشگفتار

بخش بزرگی از فرهنگ ایران زمین در باره ی بینشوری و عرفان است و عرفان ایران هم از برهم نهادن (سنتز) اندیشه های هستی شناسی ایران باستان به ویژه مهر آیینی و اندیشه های فلسفی یونانی و بودایی فراهم شده است. اندیشه های فلسفی یونانی و بودایی بارها بررسی و کم و بیش شناخته شده اند، ولی مهر آیینی هنوز در پرده ی رمز مانده است، زیرا که بنیاد این آیین خود بر پایه ی راز آمیزی بوده است، هیچ نوشته ای نداشتند و در پرده رمز با هم سخن می گفتند، با گسترش بیش از بیش آیین ترسایی بسیاری از نشانه های بازمانده نیز از میان رفت و اگر بازماند، با آیین مسیح آمیخته و زیر پوشش آن قرار گرفت. در ایران هم در دوران ساسانیان با رسمی شده دین زرتشتی، آیین مهر رو به خاموشی نهاد و بازمانده های همراهه ها و یا بازمانده های دیگر مهر آیینی به سختی یافت می شوند. تنها در ادب ایران به ویژه عرفان ایرانی می توان نشانه های این آیین را جستجو کرد.





ایران زمین

هفت پیکر نظامی و مهر آیینی

اینک به هفت پیکر نظامی می‌نگریم. نظامی در ۵۲۶ ه ق در گنجه زاده شد و گویا در ۶۰۲ در گذشته است. هفت گنبد یا هفت پیکر در سال ۵۹۸ ه ق پایان یافته است و پنجمین مثنوی نظامی، بزرگترین داستان سرای شاعران ایران است. مثنوی‌های دیگر او «مخزن الاسرار، خسروشیرین، لیلی مجنون و اسکندر نامه» است. سروده‌های نظامی به ویژه هفت پیکر و اسکندر نامه نشان می‌دهد که به فرهنگ باستانی ایران آشنایی داشته است. از دانش سپهر شناسی و اخترشناسی بهره مند بوده است. از حکمت پهلویون یا خسروانی و آیین مغان و خور آبادیان کم و بیش آگاهی داشته است. او از فرزاندانی است که آراسته به دانش‌های زمان خود است. به دانش‌های راز آمیز آن زمان «علوم خفیه» (پنهانی) چون کیمیا، لیمیا، سیمیا، ریمیا، و . . . دست داشته است. (۱) با نوشته‌های فلسفی یونانیان آشنا بوده است (۲)

نظامی به گفته‌ی خودش کوشیده است تا در پرده رمز و اشاره رازها را بازگو کند، در هفت پیکر می‌فرماید:

هرچه در نظم او ز نیک و بد است همه رمز و اشارت
خرد است

هریک افسانه‌ای جداگانه خانه‌ی گنج شد نه افسانه





ایران زمین

در گزینش بهرام در هفت پیکر، گویی فریدون ، کیخسرو، شاهان اشکانی و مهردادها را در نظر داشته است. و یشت ورثرغنه یا بهرام یشت را بازسازی کرده است.

اسکندر در اسکندرنامه خود مهر پیامبر را به یاد می آورد. زیرا در شرفنامه و اقبالنامه سه چهره ی گوناگون از اسکندر نشان می دهد که یکی دلیر و جنگ آور، دیگری پیامبری در جستجوی آب زندگانی در تاریکی و سومی اندیشمند و سازنده ی شهرستان نیکویی «و نهوش خستر» است. (۳)

شهر خوبی در گاهان یا سروده های زردشت آمده است. زردشت در چهل سالگی با دین و آیینی نو نزد گشتاسب در آمد. به شهرستان نیکویی علم زد همه ترتیب عالم را به هم زد (گلشن راز شبستری)

دلیری، جنگ آوری و پیامبری، هر سه از ویژگیهای مهر پیامبر است که خردمندی دلاور و رزم آوری در پی ساختن شهرستان نیکویی است. زنده یاد دکتر محمد مقدم در کتاب جستار در باره ی مهر و ناهید (۴) نشان می دهد که اسکندر در داستانهای رومی و ایرانی همان مهر پیامبر است که گاهی دیگر جویندگان او را با ذوالقرنین یکی دانسته اند و آن بی گمان اسکندر گجسته ی مقدونی نیست. زیرا ذوالقرنین خود پیامبری است.

که صاحب دو قرنش بدان بود نام که بر مشرق و مغرب





ایران زمین

آورد گام

برای دستگাহایی که نمی خواستند از مهر و دین او نشانی بماند تهیگی تاریخ پدید آمد که باید ناچار با داستانی پر شود: برای این کار دست به دامن اسکندر زدند. دکتر مقدم یادآور می شود که داستان اسکندر با مهر چنان آمیخته شده بود که در برهان قاطع آمده است که : نام مادر او (اسکندر) ناهید بود و بعضی گویند اسکندر پیمیر شد. در یک نوشته ی سریانی آمده است : «چون دارا اسکندر را دید بر او نماز برد، چون باور داشت که اسکندر مهر خداوند است و از آسمان فرود آمده است، که به ایرانیان یاری دهد، چون جامه ی او مانند خدایان بود و تاجی بر سر نهاده بود با پرتو خورشیدی.

در اسکندرنامه از هرمس سخن می گوید. هرمس یا ادیس کسی جز مهر پیامبر نیست. از دیدگاه هرمس برای آغاز جهان نام می برد.

وجود آفرینش بدانم درست ندانم که چون آفرید از نخست هرمس گاهی یکی از یاوران مهر و نخستین گامه ی مهر آیینی است. مهر از دوشیزه ناهید که از آب دریاچه بارور شده، زاییده می شود، صدف، رمز «ناهید» و مروارید درون آن، رمز «مهر» است. هرمس را نیز بر آمده از آب گفته اند که از آب بر آمده و به آب فرو خواهد رفت.

چو هرمس بدین ژرف دریا رسید ره ی دید کز وی





ایران زمین

رهایی ندید

فرو رفت و گفت آفرین بر کسی که کالای کشتی ندارد بسی
 حکیم نظامی در اسکندر نامه می گوید
 شنیدم که بالای این سبز فرش خروسی سپید است در زیر
 عرش

چو او بر زند طبل خود را دوال خروسان دیگر بکوبند بال
 خروس سپید در آیین های کهن باستانی ایران پر ارج بوده است. در
 آیین مهر یک خروس سپید به مهر هدیه می شود. آوای او اهریمن
 را فراری می دهد. خروس همان مرغ سروشه است (وندیداد ۱۴ –
 ۱۹) که پاکدینان آن را پرودرس می خوانند. این مرغ آهنگ خود
 را در بامداد (پگاه) بلند می کند و می گوید برخیزید و رو به شرق
 نماز بخوانید (۵). هیپولیت می نویسد که آیین شستشوی نوباه در
 مهرابه ها به هنگام سپیده دم با آوای خروس انجام می گرفته است.
 با آوای خروس نیز در سپیده دم به نیایش و سپاس بر می خاستند.
 سروده ی بالا نشانی از آشنایی نظامی به فرهنگ باستانی ایران دارد.
 اینک به هفت پیکر یا بهرام نامه بر می گردیم، شاید نشانه هایی از
 مهر آیینی در آن باز یابیم. در اوستا برنام دیگر سوشیانس «ورثرجه»
 یا بهرام آمده است.

در امپراتوری روم، مهر را نگاهبان امپراتوری و پشتیبان سپاه می
 دانستند. در دوران اشکانی شاه چون بر تخت می نشست مهرداد نام





ایران زمین

می گرفت، چه ایرانیان و رومیان، پیروزی را چه این جهانی و چه پیروزی راستی را بر دروغ، به پشتیبانی مهر می دانستند. (۶)

زنده یاد دکتر محمد مقدم می نویسد: «در ارمنستان که یک مرکز دین مهر بوده است و به گفته ی آگاثانگوس از یک سه گانگی اورمزد، واهانگن - بهرام، برنام مهر، و اناهید سخن می گوید (۷)

در سغدی مهر خدای هفت کشور: نامیده شده است. (۸)

برنام های شکست ناپذیر، دلاور، دادگر که به مهر داده شده است با ویژگیهای بهرام در هفت پیکر همسان است. گفته شد که در دوران اشکانی شاه تجلی "مهر" است و چون بهرام شاه در دوره ی ساسانی دادگر و دلیر و رزم آور بوده است مانند شاهان اشکانی متجلی "مهر" گشته است .

این همسانی مهر و بهرام در نقش هایی که از مهر در پرستشگاه های مهر آیینی در آلمان و روم باز مانده به روشنی دیده می شود، در این نگاره ها مهر را سوار بر اسب در شکارگاه هنگام تیراندازی یا گرفتن با کمند نشان می دهد (۹) .

قرنها گمان می کردند که مهر پیامبر افسانه ای است که از آیینهای کهن مهری یا بغ و ایزد باستانی گرفته شده است" دکتر محمد مقدم در پژوهش ها و بررسی های گوناگون نشان داده است : ایزد مهر ایران باستان با پیامبر مهر که پیامبری تاریخی است یکی نیست. (۹) به گفته ی دیگر یک ایزد مهر داریم و یک پیامبر مهر.





ایران زمین

آنگاه که از آیین مهر و مهر آیینی سخن می‌گوییم و مهر یشت اوستا را گواه می‌آوریم نظر به ایزد مهر داریم و آنگاه که به بهرام و زندگانی او در هفت پیکر می‌پردازیم بیشتر به مهر پیامبر نظر داریم، از بهرام یشت اوستا نیز بهره می‌گیریم. به گفته ی ویدن گرن (۱۱) یشت‌ها داستانهای اساطیری خدایان و قهرمانان گذشته ی ایران است (۱۲) داستانهای هفت پیکر شب هنگام گفته می‌شود کارگاههای مهر آیینی نیز در شب کار می‌کنند. مهرا به آسمان ای (سقف) چون آسمان و آرایش شب دارند. عارفان نیز شب هنگام کار می‌کنند. اینک برای بررسی راز شب به بخش سوم از کتاب‌های دین‌های ایرانی نیبرگ نگاه می‌کنیم. (۱۳) در بخش سوم از دین‌های اجتماعی ایران باستان و انجمن دینی (میشره) مهری سخن می‌رود: "بخشی از سرودهای دینی اوستایی بنام یشت خوانده می‌شود. این واژه اسم مفعول مجهول از ریشه ی یز است که در همه سرزمین‌های ایران برای نیایش یک خداوند به مفهوم پرستش و آیینی آن بکار می‌رود و در گاهان نیز دیده می‌شود، ولی مفهوم یشت اختصاص به کار برد زبانی زردشتی به معنای ویژه ی آن ندارد، بلکه پس از زردشت در میان پیروان او رسمیت پیدا کرد، هسته اصلی سرودهای دینی یشتها گروهی از متنهای کهن هستند که از راه تلفیق در گنجینه ی آیینی زردشتی گنجانده شد. (۱۴) از آنجا که این سرودها بیشتر به میانجی دین زردشتی به دست ما رسیده اند همواره





ایران زمین

دارای بخشهایی از آیین زردشتی است که در آنها اهورامزدا و پیامبر او زردشت نیایش می شوند، از مردم و رویدادهای تاریخ مقدس سخن بمیان می آید. ولی در این بخش ها متنهای کهنی گنجانده شده است که در آنها خداوندان دیگری در درجه نخست اهمیت قرار گرفته اند و اهورامزدا کاره ای نیست از زرتشت هم نشانی نه . . .

یشت دهم، یعنی میشره یشت (پهلوی - میهر یشت) همه ی ویژگیهایی را که برای یشتهای اصلی کهن نشان های شناسایی بشمار می روند داراست. این یشت دارای پوشش از آیین زردشتی است که ستایش میشره را به فرمان و دستور بالاترین خدا و آفریدگار، اهورمزدا، می داند، و طبق معمول زردشت را میانجی این فرمان می شناساند. . . . این یشت به آیین خدای میشره پهلوی میهر، پیشکش شده است، یعنی به یکی از خداوندان ایران باستان که در هندی ودایی زیر نام هندی باستان خودش میشره شناخته و پرستیده می شده است.

این متنهای کهن، دنیای اجتماعی و سیاسی و دینی را به روی ما باز می کند. در بندهای ۱۲ تا ۱۶ زمین به هفت بخش یا کشور یا اقلیم بخش می شود (هپت کرشور): "آنکه همچون یزته آسمانی بر سراسر (هفت) بخش زمین میروند، در حالیکه شهریاری می بخشد، برای آنان پیروزی را بدست می آورد."





ایران زمین

در هفت پیکر نظامی نیز بهرام از هفت کشور دختری خواستگاری می کند. از آنجا که او شاه هفت کشور است، هفت گنبد با هفت رنگ می سازد و به هر عروسی یک گنبد می دهد و در هفت شب به نشانه ی هفت سپهر آسمانی، عروسان هفت داستان رمزی می گویند.

نامهای کهن باستانی این هفت کشور در یشت دهم چنین اند: "ازرهی، سوهی، سگدیانه، هریوه یا اریه، یزته آمده است، ولی نظامی این سرزمین ها را در غرب، شرق، جنوب، و شمال ایران قرار داده است که ایران را در میان گرفته اند. برای هر کشور گنبدی چون آسمان به رنگ یکی از هفت اختر ساخته اند.

در بندهای ۱۱۶-۱۱۷ از مهر خداوند پیوند و پیمان سخن می آید این خدای میثره کیست؟ او به راستی همچون برترین خدا شناخته می شده است. میثره برای پیروانش خدای آفریننده بود. پس از فرو رفتن خورشید میثره بسوی گردی زمین می آید. بر بلندی های به زیور آراسته زیبا می نشیند (بند ۱۳). بر همه چیزهای میان آسمان و زمین می نگرد (بند ۹۵) میثره در جهان طبیعت در درجه ی نخست خدای آسمان شب است که به زیور ستارگان آراسته است. نام او سرور ژرف راز آمیز در بند ۲۵ است. او نمی خوابد و همیشه بیدار است.





ایران زمین

او هزار چشم دارد. بستگی او با آسمان روز هم از قلم نمی افتد، گردونه شکوهمندی که با چهار اسب آسمانی کشیده می شود و همیشه بر آن سوار است. (بند ۱۳۶ - ۲۵۱۲۴) شکی نیست که همیشه جای جای؟ در ایران همچون خدای خورشید نیایش می شده است. ولی در اوستا این آسمان شب است که در وجود میثرا فزونی دارد." (۱۴)

بزرگداشت شب و افسانه گویی شب هنگام و کارکردن کارگاههای هستی شناسی و خانقاه ها و آرایش های کارگاهها که شب و ستارگان را نشان می دهند نشانی از مهر آیینی دارد. نظامی در هفت پیکر از همه ی رمز های مهر آیینی چون شب زنده داری و هفت رنگ هفت گنبد بهره گرفته است.

اما میثرا بیش از هرچیز یک خدای اجتماعی است. در همین صورت خدای آسمان شب است که این جنبه ی اجتماعی او به چشم می خورد. در شب مردم را می پاید، پیروان خود را دشمنان خود و مردم را زیر نظر دارد. ده هزار چشم و ده هزار گوش بیش از هرچیز دیگر به این کار می خورد. واژه ی میثرا نامواژه ی همگانی هم هست و به معنای پیمان است. دشمنان میثرا "میثرا دروغ" پیمان شکن خوانده می شوند. او رشته ی پیوند دهنده ی میان همه ی گروه هایی که پایداری اجتماع بر آنها استوار است، یعنی "سوپتی ذرنگه" ورزانه و جزء آن می باشد. خدای پیمان میثرا یک پیکره بسیار کهن آریایی است. او پیمان شکنان را ریشه کن می کند.





ایران زمین

او خدای زندگی بسامان و درست است به تمام معنا. او خانه را برپا نگاه می دارد. تیرهای ستونی درها را می پاید. به چارپا و مردم توانگری می بخشد (بند ۲۸) بر نام او سالار چراگاههای فراخ است. آبها روان می شوند، باران ها فرو می ریزند، رویش و بالش پر نیرو می شود (بند ۶۱). فرزند و زندگی می دهد. هستی، جان خوب، نام نیک، دانایی و خوشی می دهد. نظم درست "اشه" (بند ۳۳) را اداره می کند. بزرگ خانه، بزرگ دودمان، بزرگ تیره و بزرگ کشور با دستهای خود به مهر هدیه پیشکش می کنند .

مهر هم نگاهبان (بند ۴۹) و هم کیفر رسان است. پیمان کشان و کسانی که در انجمن قانون های او را شکسته اند به کیفر سخت می رساند. میثره بیش از هرچیز خدای جنگ است، او جنگ را دوست دارد. او جنگ را بر می انگیزد. میثره با برجستگی کامل در پیکر یک شهریار شکوهمند بر گردونه ی خود آشکار می شود. از این رو شاهان شکوهمند اشکانی مهرداد نام می گیرند و بهرام نیز می تواند تجسم زمینی مهر باشد.

به همان اندازه که سیمای اصلی او شگفت انگیز است، گرداگرد او را همراهانی که کمتر از خود او شگفت انگیز نیستند گرفته اند. در سوی راست او بنابر بند ۱۰۰ سروشو آشوی نیکو و در سوی چپ او رشنوی بلند ستبر هستند، گرداگرد او را در هر سو آب و گیاه و فروشی های مردان اشه گرفته اند. از شکوه و فر آنهاست که آسمان





ایران زمین

درخشان و روشن است و آبها در چشمه ها روانند و گیاهان می رویند. بادها می وزند و زنان به فرزندان بارور می شوند و به آسانی می زایند و خورشید در آن بالا راه خود را می پیماید. (۱۵)

پافشاری که اینک بر جاویدی روان می شود از بنیادهای آیین مهر است. "سراسر زندگی مردم، خوشی و نیروی آنان و همه نظم جهانی هم بر روان نیاکان پایه گذاری شده است"

از همراهان مهر رشنو است. یشت ۱۲ به رشنو پیشکش شده است. رشنو ایزد سوگند یا آزمایش آتش بوده است. سوگند (وره) در زندگی ایران باستان نقش بسیار برجسته ای داشته است. یک داوری خدایی است که در آن خدا با نشان دادن نیروی خود، آشکارا میان دو دسته پیکارگر حق را پدیدار می کند. یکی از این دو دسته را بر می گزیند یا او را به حق (ور) می داند و بیگناهی او و همچنین گناهکاری دیگری را آشکار می کند. افزارهای سوگند گوناگون است، سوگندهای سرد و گرم، هردو هست. در سوگند گرم آتش در میان افزارهای دیگر نقش تعیین کننده دارد. در یشت ۱۲ چهارگونه از این سوگندها را بر می شمارد، فلز گداخته، آشامیدن زهر . . . دسته های پیکارگر یا یکی از دسته ها دست به یک آزمایش خطرناکی می زنند. اگر آزمایش شونده بی آسیب بیرون آید، حق بودن او نشان داده می شود. در بهرام نامه برای برحق بودن شاهی، به آزمایش خطرناکی دست می زند و از میان دو شیر غرنده تاج بر میگیرد.





ایران زمین

لیکن این شیر حجتی است بزرگ کاگهی مان دهد ز روبه و گرگ از جمله لوازم این سوگند در ایران باستان انجمن سوگندی بود که در یشت ۱۲ "اورثا" خوانده می شد. این واژه، به این صورت اسم جمع است از واژه "اوروثة" (در اصل ورثه) به معنای برگزیده از واژه ی «ور» به معنای یار و همکار سوگند، در گاهان هم این واژه اوروثة را که برای همکاران اهل راز بکار رفته می بینیم. گمان می رود آیین سوگند را با همین واژه هارازر، رازن (راشن) رازه نشان می داده اند، این واژه نماینده ی آیین های دین راز آمیزی است. نام رشنو بیگمان از همین واژه گرفته شده است. به گمان نزدیک به یقین، استاد سوگند، در این انجمن با واژه ی تکیشه باز شناخته می شده است. بارتلمه این واژه را به دو بخش کرده است، ساختن و آموختن. نیبرگ تنها آموختن را می پذیرد. (۱۶)

این انجمن راز با همان آیین ها و نامها در ادب فارسی باز مانده است؛ استاد سوگند به نام استاد کرسی در آیین جوانمردی و انجمن های پوشیده ی راز آمیز و «پیر» در عرفان ایرانی دیده می شود. از همکاران میثره ایزد داد و راستی، ارشادات است که در مهر یشت در کنار رشنو گذاشته می شود. اشه، سامان راست هم در انجمن میثره است.

مهمترین خدا پیرامون میثره سروشه است معنای این واژه در اصل فرمان بری است. در انجمن های زردشتی چهره ی میثره کم رنگ می





ایران زمین

شود و سروشه آشکارتر و برجسته تر می گردد. نشان ویژه ی سروشه گرز است سروشه برادر اشی خدای باروری و فرشته ی نگهبان است. از جوانان آماده ی زناشویی نگهداری و پرستاری می کند. نیبرگ در بخش چهارم کتاب دین های ایران باستان (۱۷) به خداوندان می پردازد و نشان می دهد که در این مفاهیم یک مفهوم دسته جمعی نهفته است.

خدایان دیگری هم چنانکه از گفت آوردهایی که تا کنون از مهر یشت گزارش شده است در انجمن میثره دیده می شوند. پاره ای از این چهره هارا که با داستان هفت پیکر می تواند بستگی داشته باشد بررسی می کنیم.

پیشاپیش میثره ورثرغنه آفریده ی اهورایی است که به صورت یک گراز با دندانهای تیز می تازد. در افسانه های بیرون از اوستا، این خدا کشنده ی اژدها است.

یشت ورثرغنه همان بهرام یشت است. ورثرغنه پیوستگی نزدیکی با خورنه یا فر دارد. در یک روایت از کارنامک اردشیر پاپکان در بخش ۳ آمده است که این فر چون چهره ی جانوری خود هم کالبد پیدا می کند، چون یکی از صورتهایی که بسیار نزدیک به ورثرغنه است در می آید، یعنی چون یک بره که همراه اردشیر پاپکان در حالیکه برای بدست آوردن تاج شاهی سخت در تلاش است، در راه است. در شاهنامه (غرم) میش کوهی در پشت سر اردشیر دوان است .





ایران زمین

در هفت پیکر نیز بهرام کشنده ی اژدهاست. ورثرغنه گاهی چون اسب نر، گاهی چون شترگشن و مست در می آید، هر جانوری که دارای رفتار شاهی یا زیبایی ویژه ای است می تواند به کار جسمیت یافتن ورثر غنه بیاید. مانند شیر یا اهوهای زیبا، در هفت پیکر ورثرغنه، فر، خورنه چون گوری، بس زیبا، زریپکر، بهرام را به غاری رهنمون می شود:

پیکری چون خیال روحانی تازه رویی گشاده پیشانی

پشت مالیده ای چو شوشه زر شکم اندوده ای به شیر و شکر

در کشیده به جای زناری برقی از پرند گلناری

در دهن غار اژدهایی خفته است، اژدها به غار فرو می رود و بهرام در پی او به غار (مهرابه) می شود، بهرام اژدها را می کشد و بچه گور را از شکمش زنده بیرون می کشد و گنج می یابد.

چنبری کرد پیش یزدان پشت کاژدها کشت و اژدهایش نکشت.

خورنه از همان آغاز بیگمان یک تصور روشنایی مادی در بر دارد. خورنه درخشانی نیرویی است که در خدایان جهان روشنایی و فرمانروایان نیکو و پهلوانان در جهان ما آشکار می شود. یشت ۱۹ سراسر ویژه ی خورنه است.

او همراه آنکه بر اژدها پیروز می شود است، «خورنه» پادساز مرگ و نیستی است. از این رو در داستان هفت پیکر بهرام بچه گور را





ایران زمین

زنده از شکم اژدها بیرون می کشد.
 ورثرغنه یک نیرویی است درون آدمی " باشد که همه بد اندیشان از
 زورمندی (امه) و شکننده ایستادگی (ورثر غنه) بترسد. اگر
 ویژگیهای ورثرغنه را با هم یک جا بنگریم می
 بینیم که آن نیرویی است در انسان، و نه تنها
 نیرویی برای شکست دشمن، بلکه همه ی نیروهای
 تن و تندرستی، و از این ها گذشته نیروی
 بینایی است. (شناخت، بینش یا عرفان)

در داستان هفت پیکر ورثرغنه گاهی چون بهرام و گاهی چون خورنه و
 بینش او نمایان می شوند، زیرا نیبرگ در دین های ایران باستان می
 نویسد. " پس ورثرغنه را هم باید یکی از پهلوانان زمان های پیشین
 بدانیم (۱۸)

از ویژگیهای دیگر دین مهری، آیین هیومه (۱۹) است. از این آیین
 در بند ۸۸ - ۹۰ مهریشت سخن می رود. هیومه - سومه یک
 آشامیدنی آریایی باستانی برای بیماری است، شیره ی مستی آوری،
 از گیاهی که دیگر اکنون باز شناختی نیست، گرفته شده (گیاهی که
 امروز در آیین هیومه بکار می رود جانشین آنست). در نماز هیومه
 یس چنین می آید که : "هیومه برای تندرستی، زندگی دراز زمینی،
 روان زندگی است. ای هیومه دور دارنده مرگ، یک زندگی دراز برای





ایران زمین

زندگی روان نیرو بخش تا بر دشمنان پیروز شوم و بر دروغ چیره شوم" هیومه نیرو، خواسته ی زمینی، پیروزی در برابر دشمنان بیرونی و برونی و بیداری در برابر دشمنان است، هیومه به زنان زایمان آسان می دهد. (۲۰)

دکتر محمد مقدم در کتاب جستار در باره ی مهر و ناهید از چندین سنگ نگاره که در مهرابه های آلمان و اتریش بدست آمده یاد می کند که در برخی از آنها شاهی سوار بر اسب جام نوشابه سپید را از ناهید دریافت می دارد (۲۱) یا در نگاره ای روی کاسه «می» یافته اند که روی آن مهر سوار بر اسب جام نوشابه سپید را به شاه می دهد که او هم بر اسبی سوار است (۲۲)

در تندیس پرنگی (برنجی) که از مهر بدست آمده و کلاه مهری بر سر دارد در دست چپ افسار اسب و در دست راست آشامیدنی سپید دارد.

در مهر آیینی زمان به هفت هزار سال بخش می شود؟ نظامی آن را چنین آورده است،

حکم هفتصد هزار ساله شمار تابع حکم او به هفت هزار که هر هزاره زیر فرماندهی یکی از اختران هفت گانه است. بهمن یشت-، این بخش بندی زمان زاییده ی اندیشه ایرانی است که در شش هزاره ی نخستین جنگ میان نیکی و بدی برای گردش جهان برپاست.





ایران زمین

سرانجام ایزد مهر یا اهورمزدا پیامبر فرجامین مهر را می فرستد تا هزاره ی هفتم را فرمان روا باشد.

زیرنویس

استاد فرزانه دکتر سیف الدین نجم آبادی از روی بزرگواری، نامه ی پر مهری نوشته و در باره ی نام مهر یادآوری کرده اند که: "واژه مهر صورت اشکانی است و صورت ساسانی آن میر است. میر که در فارسی در فرهنگ ها دیده می شود و آن را عربی دانسته اند، کوتاه شده امیر ولی بنظر من نادرست است چون همانگونه که پوهر اشکانی در فارسی پور می شود باید مهر اشکانی هم "میر" در فارسی شود. مانند چهر که در اشکانی و ساسانی معنی نژاد داشته، تغییر معنا داده. در فارسی میر، رییس و سرکرده معنا می دهد. (در میرآب و میر فندرسک و میر داماد و بسیاری واژه های دیگر بازمانده است. میر آب: رییس و مسئول آب، میر فندرسک: رییس و کدخدای فندرسک، میرداماد بزرگ سرور دامادی ها)

چشم بدت دور ای بدیع شمایل ماه من و شمع من و میر قبایل (سعدی)
یک صف میران و بلعمی بنشستند یک صف حران و پیر صالح دهقان (رودکی)
و بسیاری نمونه های دیگر و شگفتی ندارد که میر در فارسی میانه بکار نرفته باشد: نام های کهن به صورت کهن در زبان ها حفظ می شود بویژه نام های مقدس و دینی.
میترا با الف صورت هندی واژه ی مهر است. مهر صورت اوستایی اش میسر است"

- ۱- مجله ی ایران شناسی سال سوم شماره ی ۳، پاییز، ۱۳۷۰. ویژه نامه ی " سال نظامی گنجوی" فلسفه یونان در بزم اسکندر از عبدالحسین زرین کوب ص ۴۸۳
- ۲- همان مجله. استاد ذبیح الله صفا، اسکندرنامه ص ۴۶۹
- ۳- دکتر محمد مقدم. جستار در باره ی مهر و ناهید، دیماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی، تهران ص ۳ "ونهوش خشتر"
- ۴- همان کتاب. بخش سوم مهر، سوشیانس





ایران زمین

- ۵ - هنریک ساموئل نیبرگ، دین های ایران باستان برگردان از دکتر سیف الدین نجم آبادی، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها، بخش سوم ص ۶۷
- ۶ - دکتر محمد مقدم. جستار در باره ی مهر و ناهید، دیماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی، تهران . ص ۷۵ - در لقب های مهر ص ۷۳
- ۷ - همان کتاب ص ۷۴
- ۸ - هنر یک ساموئل نیبرگ، دین های ایران باستان برگردان از دکتر سیف الدین نجم آبادی و مجمل التواریخ
- ۹ - جستار در باره ی مهر و ناهید، ص ۱۷۰ نگاره ی ۶۳ . در این نگاره ها مهر سوار بر اسب در شکارگاه به هنگام تیراندازی یا گرفتن شکار با کمند دیده می شود. همچنین به کتاب میتراپیسم از هاشم رضی بنگرید.
- ۱۰ - جستار در باره ی مهر و ناهید. ص ۶۰ تا ۶۸
- دکتر مقدم بر پایه ی پژوهش های استاد بزرگ زنده یاد، ذبیح بهروز در تقویم و تاریخ ایران می نویسد: "در سال ۱۴۵۴ رصد، ۶۵ سال پس از اسکندر و در سال اشکانی پنجمین روز بهار به مادر مهر نوید می رسد. پس از آنکه ۲۷۵ روز از نوید گذشت شب یکشنبه ۲۵ دسامبر، مهر زاییده می شود و چنین است که روز دوشنبه ۲۶ دسامبر همان سال، یکم ژانویه و آغاز سرگذشت تازه ای می شود که شش روز با سرگذشت تقویم (سالمار) تور فانی ناهمگونی دارد. نام ماهی که ماه نخستین زمان زایش مهر است، در پارسی دیماه و در ماه های سیستانی کریشت است. در زمان اشکانیان و ساسانیان دو دین تازه در ایران پیدا شد یکی دین «مسیحا» رهاننده یا «مهر» در آغاز زمان اشکانیان، و دیگری دین مانی در زمان ساسانیان، پیش از پیدایش عیسی به چلیپا کشیده. سرگذشت نویسان و گزاره پردازان قرآن، از پیدایش مسیحی سخن آورده اند که نزدیک به شش سده، پیش از زمان درست زایش عیسی به دار کشیده می باشد. شگفت آور این است که پژوهندگان اندر باره ای این دو پیش آمد، راز داری را برتر دانسته و سخنی نگفته اند! ولی ادب زبان ایران با نام های مسیحا و دین مهر زیور یافته است. دو نکته به چشم می خورد: نخست آنکه آیین مسیح (رهاننده) کهنه تر از زمانی است که زاد روز عیسی را می آورند. دوم آنکه دو مسیح در دو زمان گوناگون پیدا شده اند که یکی از آنان به دار (چلیپا) کشیده شده و دیگری نشده





ایران زمین

است. در گزاره های قرآن، پیدایش دو پیامبر یکی به نام مسیح و دیگری به نام عیسی را می آورند، یا اینکه هردو را به نام مسیح یا هردو را به نام عیسی گفته اند. مسعودی در مروج الذهب، پیامبر نخستین را السید المسیح علیه السلام و دومی را بیشتر ایشوع ناصری خوانده و زایش او را در ایلیا دانسته است.

مهر به چهره آدمی، در سال ۲۴۷ پیش از زایش مسیح در بیست و پنج سالگی به پیامبری برگزیده شد و چهل سال مردمان را به دین خود فرا خواند و "انجیل" یا نویدهای خود را نوشت.

درگذشت مهر، روز دوشنبه چهارم شهریور ماه روز جشن شهریورگان سال ۱۵۱۸ رسد، سال مار در یازدهمین هنگام روز نزدیک نیمه شب پیش آمده است. این چکیده ی دیدگاه استاد ذبیح بهروز از قلم احمد اجودانی در پیش گفتار کتاب فرانتز کومون (دین مهر) گرفته شده است.

۱۱- ویدن گرن، دین های ایرانی. برگردان فرانسه ص ۱۴۹

۱۲- همان کتاب ص ۶۷ میتولوژی.

ویدن گرن می نویسد: کارهای بنیادین در باره ی یشت ها از کتاب های کریستن سن گرفته شده است. ۸۰ ج ۴ سال ۱۹۲۸ ص ۸۱ - ۱۱۵

۱۳ - هنریک ساموئل نیبرگ، دین های ایران باستان برگردان از دکتر سیف الدین نجم آبادی، ص ۵۲ بخش سوم دین های اجتماعی ایران باستان، انجمن میثره ص ۵۹ - ۶۰

۱۴ - ویدن گرن دین های ایرانی. برگردان فرانسه -

۱۵ - هنریک ساموئل نیبرگ، دین های ایران باستان، ص ۶۲

۱۶ - همان کتاب

۱۷ - هنریک ساموئل نیبرگ دین های ایران باستان برگردان دکترسیف الدین نجم آبادی ص ۷۸ انجمن دینی گاهان، وانجمن میثره

۱۸ - همان کتاب ص ۷۸

۱۹ - همان کتاب ص ۸۳ آیین هیومه.

۲۰ - به پیروی همین آیین است که هنگام زایش رستم، برای آسان شدن زایمان به دستور سیمرغ به تهمینه باده می دهند. در آیینهای پوشیده و انجمن های مهری اینک به جای





ایران زمین

هیومه باده می نوشد.

۲۱ – جستار در باره ی مهر و ناهید ص ۱۰۲ نگاره ی و کتاب میتراپییم از هاشم رضی.
در کتاب ویدن گرن سخن از نوشابه ی سپید می رود که از تخمیر عسل و آب بدست می
آید ص ۲۵۷

۲۲ – همان کتاب، جستار در باره ی مهر و ناهید، بخش نگاره ها

